

کافه  
خاطره صبا؛  
گفت و گو با مهوش  
افشار پناه بازیگر  
سینما، تئاتر و  
تلویزیون

# هنوز عاشق تجربه‌های تازه هستم

## داستان یک بازیگر نسل طلایی ایران

احمد محمد اسماعیلی

گفت‌وگو

مهوش افشار پناه از بازیگران نسل طلایی تئاتر در دهه پنجاه و عضو گروه تئاتری «پیوند» است که در «کارگاه نمایش» به بلوغ هنری رسید. او سال‌هاست در سینما و تلویزیون فعالیت دارد و با کارگردانان بزرگی چون کیومرث پوراحمد، بیژن بیرنگ و منوچهر عسگری نسیب همکاری کرده است. از آثار سینمایی، تلویزیونی و تئاتری او می‌توان به آثاری چون «به خاطر هانیه»، «زینت»، «باغ آلبالو»، «مروارید»، «حسین بن منصور حلاج»، «تبرئه شده»، «روز والتاین»، «در اعماق»، «چشم‌اندازی از پل»، «خانه»، «سقوط از کوه راشمور»، «در انتظار» و «این خانه دور است» اشاره کرد. از دیگر فعالیت‌های افشار پناه می‌توان به تدریس بازیگری در آموزشگاه «میلغان» و دو دوره داوری در جشن خانه سینما اشاره کرد. گفت‌وگویی با او درباره فعالیت‌های بازیگری‌اش انجام داده‌ایم.

**از چه سنی به فعالیت‌های هنری علاقه‌مند شدید؟**  
در دوران دبیرستان، حدود ۱۶ سالگی، وارد عرصه هنر شدم. نخستین تجربه‌ام بازی در فیلم کوتاه «کلبه آن سوی تاریکی» بود.

**از چه طریقی این ارتباط به وجود آمد؟**  
از طریق یکی از اساتید برادرم کوروش افشارپناه...

**برادرتان که در فیلم گزارش عباس کیارستمی در کنار شهره آغداشلو بازی کرد...**  
بله، کوروش بیشتر کارش تدریس بود و با کیمیایی در «خط قرمز» به عنوان بازیگری همکاری داشت ولی بازیگری دغدغه اصلیش نبود و خیلی زود رهاش کرد. فیلمبرداری در تهران و سیاه‌پیشه انجام شد. پسر عمویم هم به کارهای هنری علاقه‌مند بود و چند فیلم ساخت و دوران جوانیم در چنین آتمسفر هنری در خانواده گذشت.

**آیا اهل سینما رفتن بودید؟**  
بله، بیشتر فیلم‌های خارجی و فیلم‌های مطرح و خوب ایرانی را با دوستان و یا برادرم می‌دیدم.

**به چه دلیل برادرتان کارش را در بازیگری ادامه نداد؟**  
خودش نخواست ادامه بدهد و همیشه در کارهایم با ایشان مشورت می‌کردم.

**چه سالی وارد دانشگاه هنرهای دراماتیک شدید؟**  
ورودی سال ۴۸ بودم. در دانشگاه با محمود جوهری، ناصر آقایی

همکلاسی بودیم و در نمایش «باغ وحش شیشه‌ای» هم بازی کردیم. خانم فریده صابری، خانم وحیدی و من از معدود دانشجویان دختر آن دوره بودیم.

**از نحو همکاری با کارگاه نمایش بگویید؟**  
در دانشکده تئاتر مشغول به کار بودم که روزی مرتضی عقیلی به من گفت خانم خجسته‌کیا قصد دارد نمایش «حلاج» را روی صحنه ببرد و از من خواست در آن بازی کنم. این نمایش تنها یک بازیگر زن داشت که باید چند نقش مختلف را ایفا می‌کرد. «حلاج» نخستین همکاری من با کارگاه نمایش و خانم خجسته‌کیا بود. نمایش در دانشگاه تهران و تکیه نیاوران اجراهای موفق داشت. رضا قطبی، مدیر وقت تلویزیون، تمایل زیادی داشت این اثر از تلویزیون پخش شود و پس از آن، نمایش را در کارگاه نمایش روی صحنه بردیم. در واقع، مرتضی عقیلی عامل اصلی آشنایی و عضویت من در کارگاه نمایش بود.

**در کارگاه نمایش عضو کدام گروه شدید؟**  
از سال ۴۹ عضو کارگاه نمایش شدم. یک دوره با گروه خردمند و انور کار کردم. بعدش با گروه آربی آوانسیان کار کردم.

**خیلی از بازیگران مثل فهیمه راستکار، داریوش فرهنگ و مهدی هاشمی به دلیل شیوه‌های کاری آوانسیان با او وارد چالش شدند. رابطه شما با آوانسیان چگونه بود؟**  
فهمیه راستکار از گروه جدا نشد و من در دو نمایش «باغ آلبالو» و «ناگهان هذا...» با ایشان همبازی بودیم. نکته مهم قائم به فرد نبودن کارگاه نمایش بود و بیشتر در تعریف یک فرهنگ و دیدگاهی در تئاتر محسوب می‌شد. هر کسی می‌توانست در این قالب خودش را جای بدهد. فرهنگ و هاشمی هم در نمایش «باغ آلبالو» بازی کردند و دیدگاه آنها در مورد تئاتر با آربی آوانسیان متفاوت بود. هنرمندانی نظیر سیروس ابراهیم‌زاده، محمد صالح‌علاء و خیلی‌های دیگر آمدند و در کارگاه نمایش تئاتر اجرا کردند.

**شما در کارگاه نمایش با آشور پانیپال تجربیات موفق داشتید. از این تجربیات بگویید؟**

در کارگاه نمایش مرزبندی آنچنانی بین گروه‌ها وجود نداشت و بازیگران در نمایش‌های سایر گروه‌ها هم بازی می‌کردند و از بانیپال بسیار آموختم.

**با اسماعیل خلیج همکاری نکردید...**

نخیر، همکاری نداشتم. هنوز هم بعد از پنج دهه تأثیرات کارگاه

